

## کمونیس‌ت‌ها و مسئله زن

کمونیس‌ت‌ها پیگیرترین مدافعین برابری زنان و مردان در کلیه عرصه‌ها هستند. آنان همواره از طریق سازماندهی مبارزه علیه ستم و تبعیض نسبت به زنان، به رادیکال‌ترین شکل از مطالبات زنان دفاع کرده‌اند.

کمونیس‌ت‌ها در عین حال که در عرصه نظری، تحلیلی علمی از پایه‌های ستم اقتصادی و جنسی برزن ارائه داده‌اند، در عرصه عمل نیز پیگیرانه برای برانداختن این ستم دوگانه مبارزه کرده‌اند.

مسئله زن ازدیدگاه کمونیس‌ت‌ها بخشی جدائی‌ناپذیر از نظام طبقاتی‌است. از همینرو، آنان رهائی واقعی زن را از قیود اقتصادی و جنسی در الغاء طبقات میدانند.

اگوست ببل، کمونیس‌ت آلمانی، در سال ۱۸۷۹ در کتاب "زن و سوسیالیسم" جنبه‌های تاریخی ستم برزن را مورد بررسی و تحلیل قرار داد. اخلاقیات پورژوائی را به باد انتقاد کشید. نقش مذهب را درتائید و تکریم تبعیض نسبت به زنان برملا میکند و محکوم می‌نماید، زنان را به مبارزه فرا میخواند و هشدار میدهد که زنان نباید بانتظار اعطای آزادی و برابری بنشینند. ببل در عین حال که مکرر بر طبقاتی بودن مسئله تاکید میورزد، از مبارزه برای مطالبات و خواسته‌هایی که در چارچوب نظام موجود تحقق آنها ممکن است، سخن میگوید و ورود زنان به میدان مبارزه را یکی از شروط اصلی تحقق مطالباتشان میدانند.

چند سال بعد، انگلس در "منشاء خانواده، مالکیت خصوصی و دولت" به تفصیل، جنبه‌های تاریخی، اجتماعی و اقتصادی مسئله را مورد بررسی و تحلیل قرار میدهد. او خانواده را یک نهاد اقتصادی معرفی نمود و به بردگی زن در چارچوب خانواده اشاره کرد.

انگلس، مالکیت بروسائل تولید و استثمار را علت و منشاء تبعیض و نابرابری معرفی نمود. او عنوان کرد که این مناسبات غیر انسانی، فرهنگی را به جامعه تحمیل میکند که در تولید و بازتولید تبعیض فرهنگی برزن نقش دارند. نمود این امر، روابط زن و مرد در چارچوب خانواده، در جامعه سرمایه داری‌است. این را انگلس بدین شرح توضیح میدهد: "خانواده فردی نوین مبتنی بر بردگی خانگی آشکاریا پوشیده زن است. . . . امروزه در اکثریت عظیم موارد، مرد لااقل در میان طبقات دارا، روزی رسان و نان آور خانواده است و این امر به او . . . موضع مسلط میدهد که احتیاجی به هیچ امتیاز قانونی خاص ندارد. مرد در خانواده بورژوا است، زن پرولتاریا."

بااین وجود و به رغم این که انگلس بر نقش اخلاقیات و فرهنگ تبعیض‌آمیز نظام طبقاتی در سلولی‌ترین نهاد جامعه انگشت می‌گذارد، ولی تضاد زن و مرد

را عمده نمیکند بلکه نظام طبقاتی را نشانه میگیرد. کمونیستها بر مبنای تحلیل علمی خود حل قطعی مسئله زن را در نفی نظام طبقاتی میدانند، اما این بدان معنا نیست که در مبارزه روزمره زنان برای تحقق مطالبات آنی خود غافل بمانند، بالعکس کمونیستها همواره از فعالترین و پیگیرترین مبارزین این عرصه مبارزه نیز بوده‌اند. نمونه‌های آن فراوان است. یکی از برجسته‌ترین این عرصه‌ها مداخله در جنبش حق رای زنان بوده است. در حالی که زنان طبقات مرفه تحقق مطالبه حق رای برای خود را از کانال عریضه نویسی دنبال میکردند، کمونیستها از این حق برای عموم زنان دفاع نمودند و از همین رو با سازماندهی گسترده جنبش مبارزاتی زنان، با راه پیمائی‌ها، گردهم آئی‌ها و تظاهرات، برای تحقق این مطالبات کوشیدند. فراموش نباید کرد که تعیین روز جهانی زن نیز با ابتکار و تلاش کمونیست‌هایی امثال کلارا زتکین میسر گشت.

کمونیستها تحقق مطالبات زنان و حفظ دست‌آوردهای آنها را نه در بالا بلکه با سازماندهی توده‌های وسیع زنان مد نظر داشته و دارند. جنبش سوسیال دموکراسی آلمان و تلاش کمونیستی نظیر کلارا زتکین، در اواخر قرن نوزدهم، نخستین سالهای قرن اخیر نمونه‌ای از آن را ارائه میدهد. هنگامی که در سال ۱۸۹۰ زنان از شرکت در سازمان‌های سیاسی، قانوناً منع شده‌اند، این زنان کمونیست بودند که با تاسیس سازمان‌های زنان، به سازمان‌دهی فعالیت‌های انقلابی در میان آنان پرداختند. انتشار نشریه برابری به سردبیری کلارا زتکین در سال ۱۸۹۲ تاثیر فراوانی در آگاهی زنان ایفا نمود. در اولین شماره این نشریه، دید مارکسیستی نسبت به مسئله زن تبلیغ شد و زنان به مبارزه پیگیر علیه نظام طبقاتی فراخوانده شدند. در عین حال کارزار وسیعی علیه مردسالاری آغاز شد. زتکین و سایر هم‌زمانش، زنان را به مشارکت در بازار کار و تولید فرامی‌خواندند. او این امر را عاملی جهت "غلبه بر روحیه محافظه‌کاری زنان که ریشه تاریخی دارد" معرفی نمود.

همراهی و مداخله در مبارزات زنان، کمونیست‌هایی چون زتکین را قادر ساخت تا با جمع‌بندی تجارب و ویژه‌گیهای مبارزاتی بر اغناء و تکامل نظرات مارکسیستی در برخورد به مسئله زن بیافزایند. بر مبنای این تجربیات، مبارزه برای تحقق مطالبات زنان و مبارزه برای برانداختن ستم و تبعیض، در عین حال مستلزم مبارزه نظری با دیدگاهی است که تضاد زن و مرد را عمده میکند و تلاش می‌نماید تا علت اصلی تبعیض و ستم به فراموشی سپرده شود. کمونیستها نه تنها در شرایطی که طبقه سرمایه‌دار

حاکم است و از زاویه نقد نظری نظام سرمایه داری، از برافتادن ستم و تبعیض علیه زنان سخن گفته و از مطالبات زنان دفاع نموده اند، بلکه زمانی که طبقه کارگر قدرت را بدست گرفته است، در عمل نشان داده اند که از هیچ تلاشی برای برانداختن ستم و تبعیض فروگذار نکرده اند.

پس از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷، دولت شوراهای به فوریت کلیه قوانین ارتجاعی و زن ستیز را لغو و برابر حقوقی زن و مرد را در چارچوب قانون رسمیت داد. دولت شوروی در اوائل قرن بیستم قوانینی را به نفع زنان تصویب نمود که پیشرفته ترین جوامع سرمایه داری در اوایل قرن حاضر هنوز بدان دست نیافته اند. اما تلاش کمونیستها برای برانداختن ستم و تبعیض در چارچوب قوانین محدود نماند. در همان هنگام، کارزاری جدی علیه فرهنگ بورژوازی و اخلاقیات پوسیده نظام طبقاتی آغاز گردید. کولنتای، یکی از کمونیستهای برجسته، خانواده را بعنوان یک نهاد بورژوازی مورد نقد قرارداد. فحشاء را که یک پدیده ذاتی سرمایه داری و نظام طبقاتی است، بشکلی همه جانبه تجزیه و تحلیل کرد و به ترغیب و تشویق کار فرهنگی مستمر و بطنی در میان نیروهای بالنده جامعه پرداخت که خود به فرهنگ طبقاتی آغشته اند. کولنتای، در جریان این کارزار فرهنگی وجود فرهنگ مرد سالاری در میان زنان و مردان را مورد حمله قرارداد. در عین حال وی جهت رهایی زن از شر کارخانگی، با خلاقیت، ابتکار و همراهی زنان، نمونه هائی از مهد کودکهای جمعی، رختشویی خانه های عمومی و غیره را ایجاد نمود. در میان جوانان جنسیت و ستم جنسی را به بحث گذاشت و در همین سالهاست که ریشه های تاریخی اجتماعی ستم زن به عنوان دروس تحصیلی دانشگاهی منظور گردید تا بدین طریق نیز آگاهی نسل جوان نسبت به پدیده فوق ارتقاء یابد.

کمونیستها در هر کجای دنیا که به مبارزه برخاسته اند، برای محو استثمار و ستم بوده است. ستم و استثمار که منشأ ستم و نابرابری جنسی است. در همان حال که کمونیستها با تشکل و مبارزه پیگیر نظام طبقاتی را هدف قرار داده اند، از مبارزه زنان نیز دفاع نموده و برای تحقق خواسته های آنها کوشیده اند.

در سازمان ما نیز از بدو پیدایش تاکنون، مردان و زنان کمونیست برای برانداختن ستم و استثمار مبارزه کرده و میکنند. مبارزه برای برانداختن ستم و تبعیض نسبت به زنان نیز جزئی از مبارزه سازمان ما بوده است.